

اسپانیا: درباره‌ی شعار شوراها

از نامه‌ی ای به آندره نین^۱

مورین^۲ شعار «تمام قدرت به پرولتاریا» را صادر کرده است. به گمان من شما کاملاً محق هستید که خاطر نشان می‌کنید او شعارهایی از این دست را به این منظور انتخاب کرده است که پلی از سوی خود به سندیکالیست‌ها بزند، و ظاهری قدرتمندتر از آن چه هست، به خود بدهد. متأسفانه دنباله‌روی از شواهر امر، در سیاست، بسیار نیرومند و در سیاست انقلابی بسیار فاجعه‌بار است. گاهی از خود می‌پرسم که چرا هیچ شورایی در اسپانیا وجود ندارد؟ دلیل آن چیست؟

در نامه‌ی پیشین، چندین ایده را در این ارتباط مطرح کردم. من این ایده‌ها را در مقاله‌ی ای که درباره‌ی کنترل کارگری در آلمان برایتان فرستادم، به تفصیل پرورانده‌ام. به نظر می‌رسد که شعار «خونت»^۳ها در ذهن کارگران اسپانیا با شعار شوراها تداعی می‌شود؛ و به همین دلیل برای آن‌ها بسیار

^۱ - نین، انقلابی اسپانیایی مشهور، سال‌ها همکار نزدیک و دوست شخصی تروتسکی بود او بعدها از جنبش تروتسکیستی گسست کرد تا یک حزب سانتریست، یعنی POUM را همراه با مورین سازمان دهد. او به دست «گ. پ. او» استالین در اسپانیا و در طول جنگ داخلی اسپانیا به قتل رسید- ویراستار

^۲ - منبع انگلیسی:

<http://marxists.org/archive/trotsky/1931/spain/spain%20.htm>

<http://marxists.org/archive/trotsky/1931/spain/spain%20.htm>

تند، قطعی و بیش از حد «روسی» است. یعنی به آن از زاویه ای متفاوت از کارگران روسی در یک مرحله ی مشابه نگاه می کنند. آیا در این جا با یک تناقض تاریخی رو به رو نیستیم که وجود شوراهای اتحاد جماهیر شوروی موجب فلج شدن ایجاد شوراهای دیگر کشورها در دیگر کشورها می شود؟

این پرسش، پرسشی است که باید در مکالمات خصوصی با کارگران دیگر بخش های کشور مورد بیشترین توجه قرار گیرد. در هر حال، اگر شعار شوراهای (خونناها) نتواند با پاسخ رو به رو شود، در آن صورت باید روی شعار کمیته های کارخانه تمرکز کنیم. من با این موضوع در مقاله ی ذکر شده در بالا پیرامون کنترل کارگری برخورد کردم. بر اساس کمیته های کارخانه، ما می توانیم تشکل شورایی را بدون اشاره به نام آن توسعه دهیم.

درباره ی مسأله ی کنترل کارگری، به نظر من کاملاً درست می گویند؛ انکار کردن کنترل کارگری، صرفاً به این دلیل که رفرمیست ها- در حرف- مدافع آن هستند، یک حماقت عظیم خواهد بود؛ برعکس، دقیقاً به همین دلیل است که ما باید با شور و حرارت بیشتری بگیریم و کارگران رفرمیست را وادار به عملی کردن آن از طریق یک جبهه ی واحد با خودمان نماییم؛ و بر اساس این تجربه، آن ها را به مخالفت با کابالرو و دیگر جاعلین بکشانیم.

ما موفق به ایجاد شوراهای در روسیه شدیم، تنها به این دلیل که مطالبه برای آن از سوی ما، منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها مطرح شده بود، هرچند که مطمئناً آن ها اهداف متفاوتی در ذهن داشتند. ما نمی توانیم هیچ گونه شورایی در اسپانیا درست کنیم، چرا که نه سوسیالیست ها و نه سندیکالیست ها خواهان شورا نیستند. این بدان معناست که جبهه ی واحد

و وحدت تشکیلاتی با اکثریت طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند زیر این شعار ایجاد شود.

اما در این جا خود کابالرو قرار دارد که از سوی فشار توده‌ها و ادار به آن شده است که شعار کنترل کارگری را بگیرد و در نتیجه درها را برای سیاست جبهه‌ی واحد باز کند و سازمانی جعلی بسازد که اکثریت طبقه‌ی کارگر را دربرمی‌گیرد. ما باید با هر دو دست، محکم این را بگیریم. قطعاً کابالرو تلاش خواهد کرد که کنترل کارگری را به کنترل سرمایه‌داران بر کارگران تبدیل کند. اما این مسأله به حوزه‌ی دیگر مربوط می‌شود، یعنی حوزه‌ی مناسبات نیروها در درون طبقه‌ی کارگر. اگر ما موفق به ایجاد کمیته‌های کارخانه در سرتاسر کشور شویم، در آن صورت در این برهه‌ی انقلابی که شاهد هستیم، آقایان کابالرو و شرکا نبرد سرنوشت ساز را خواهند باخت.

لئون تروتسکی
سپتامبر ۱۹۳۱

منبع: آرشیو مارکسیست‌ها در اینترنت

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب‌خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳